

هوسکی

حاج قاسم:

کتاب، هنر، رسانه و سینما

په نامه خدای هنر، حون و شهادت

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

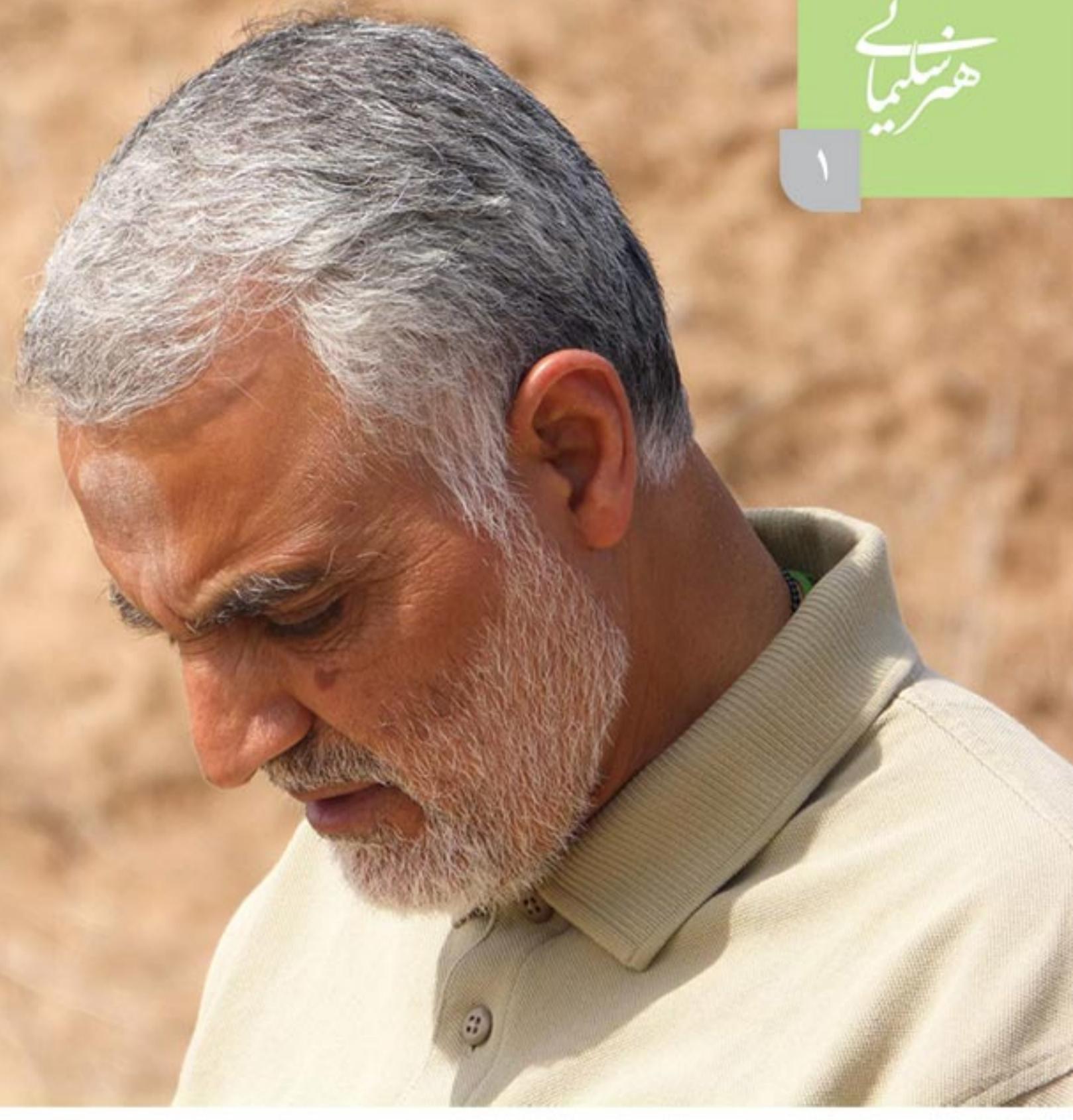
ایرانی ها به خودشان افتخار کنند که مردی از میان آنها
از یک روستای دورافتاده بر می خیزد، تلاش و خودسازی می کند
و به چهره‌ی درخشان و قهرمان امت اسلامی تبدیل می شود.

هشتم



گردآوری و تدوین: مرتضی بزرگی، رضا نورزاد
طراحی و صفحه‌آرایی: فرزاد نریمان‌زاده
ملد: محمود آزادنیا
تهیه شده در مرکز فضای مجازی بسیج آذربایجان شرقی

۱۴۰۱ زمستان



حاج قاسم؛ کتاب، هنر، رسانه و سینما

هنر؛ این رساله پر طراوت رسالت، این سوگلی خدا و برگزیده آدمی، و گویا تنها زبان بیان حقیقت، از جمله‌ی مهمترین منهاج والای نظام هستی است که اگر هر انسانی به این نیلوفر زیبا و نفیر خوش‌نما مسلح شود، با صدا و تصویرش بر تار و پود دیگران ردای پیش‌نمایی به تن خواهد کرد.

نظامی؛ اگر چه نمی‌توانی او را یک ژنرال عبوس و عباس در برابر استکبار نبینی. چنان بعض و کینه‌ای از استکبار در چشمانش نهفته است که انگار آتش خشم‌ش فوران خواهد کرد.

ونه اهل تساهل و سهل انگاری، که در مقابل دشمن مثل کوه آتش‌فشان بود، گر می‌گرفت و یورش می‌برد. چنان می‌نmod که دشمن با شنیدن خبر حضور او در نزدیکی های خود، نقشه را تغییر میداد و عقب نشینی می‌کرد. حتی بسیار شده بود که با شنیدن خبر "ژنرال سلیمانی آمد" پاهای لشکریانش سُست می‌شد و شکست را به جان می‌خربد. اما همین مرد، وقتی شعرهایی که می‌خواند، جملاتی که راجع به محبت بر زبان جاری می‌کرد، ناوکی که چشمهاش به سمت جوانان و دختران و پسران روانه می‌شد، گویا قرار بود اتفاق دیگری را برایش رقم بزند.

موفقیت یک انسان بیش از آنکه به میزان مطالعات و تحصیلات و داشته‌ها و سرشناسی‌هایش برگردد، به نوع نگاه او به هستی و زندگی و زمانه برمی‌گردد. چنانچه در مكتب اهلیت علیهم السلام، زمان شناسی و فهم زبان زمانه و آدمهایش، بعنوان مهمترین راه پیروزی، بسیار مورد تاکید قرار گرفته است. اینکه کجا و چگونه، با چه ابزاری، با چه زبان و منطقی در جامعه حضور پیدا کنیم. حاج قاسم از جمله‌ی آن پاسدارانی است که با وجود غلبه چهره نظامی و سابقه چهل سال مبارزه و جنگ، در بین دوست و دشمن، آنچه بر وجود او مستولی شده است، لطافت و ذوق و هنر این مرد است. روی کاغذ سرلشکر و ژنرال است، اما در بین مردم خبری از آن درجه و یال و کوپال به چشم نمی‌خورد. بین آدمها که راه می‌روند، بیشتر به یک مسیحای آرامش بخش می‌ماند تا یک قهرمان



چشمهاش؛ آدم دیگری را برایت خلق میکرد

مردانگی در رزم را اصل میدانست. پرواضح است که این چهره ذوالفنون و چندوجهی، که مثل مولایش علی، شیر روز و زاهد شب بود، دنباله و نتیجه‌ی عقبه‌ای است که لزوم شناخت آن برای هر آزادیخواهی، راه صواب را بیش از پیش مینمایاند.

قاسم بیش از آنکه در خاکریز و جبهه خود را تربیت کرده باشد، وجودش را در پشت خاکریز به آن رسم علوی و فاطمی آراسته کرده بود که آنچنان در جبهه رزم به اوچ رسید و پرواز کرد. باید قاسم را از پشت خاکریز شناخت. باید

مردی که جنگ را برای زندگی میخواست. جبهه و خاک و خاکریز را برای ظهور حیات میخواست. این نه یک ادعا که حتی اذعان دشمن را هم در پی داشت که او را یک اسطوره و قهرمان دوست داشتنی معرفی میکرد. مردی که در مواجهه با دشمن، به فکر نگهداشتن حرمت انسان بودن دشمنان هم بود. بارها از زبان افرادی که به اسارت جبهه مقاومت درآمدند شنیدیم که اعتراف به این نکته داشتند که ژنرال سلیمانی خیانت و از پشت خنجر زدن را بر نمیتابفت و

اخلاقی، دینی و تفسیری و کتاب‌های حوزه تاریخ شفاهی جنگ و فرهنگ جهاد و شهادت و حتی داستان و رمان رامی خواند و با یادداشت‌ها و تقریظ‌هایش گاه باعث معرفی و رونق فروش این آثار و مطالعه آن کتاب‌ها می‌شد.

مرتضی سرهنگی (نویسنده) می‌گوید: "سردار سلیمانی، اهمیت روایت شهیدان در قالب کتاب را ۲۵ سال پیش که فرمانده سپاه ثارالله کرمان بودند فهمیدند و پای کار ایستادند تا کتاب‌هایی برای دوستان شهیدشان نوشته شود. حاج قاسم، کتاب خاطرات شهید علی خوش لفظ (وقتی مهتاب گم شد) را خوانده بود و تعریف می‌کرد که این کتاب را زمانی می‌خواندم که از بغداد به اقلیم کردستان می‌رفتم و حال خوبی داشتم؛ یعنی سردار ما حتی در این شرایط هم کتاب می‌خواند."

سردار دلها تجلی آئینه تمام نما و "هی المولات" در برابر امام خود بود. حتی در امر کتاب‌خوانی، خود را مثل شاگردی برای معلم میدانست که کتاب را نسخه حیاتی میداند. این عزیز در هفته دفاع مقدس سال ۹۳ می‌گوید:

"من توصیه ام به آنها یکی که جنگ را حس کرده‌اند، یا آنها یکی که جنگ را حس نکرده‌اند، مطالعه کتاب‌ها و نوشته‌های مربوط به دوران دفاع مقدس است. شاید بیشترین تأثیرات تربیتی حقیقی در این کتب وجود داشته باشد. اگر دقت کرده باشید، در بین همه کتاب‌های توصیه شده مقام معظم رهبری، ایشان بیشترین تجلیل و توصیه را نسبت به همین کتاب‌های دفاع مقدس دارند. شاید بتوان گفت کمتر کتابی منتشر شده و در دسترس ایشان قرار گرفته که ایشان مطالعه نکرده باشند و پیرامون آن تقریظی نداشته باشند. دلیل اصلی آن هم این است که در داخل این نوشته‌ها، حقیقتی وجود دارد که موجب تأثیر و تأثیر بسیار بالایی است".

به جستجوی قاسم در کوچه پس کوچه‌های شهر رفت. باید این ژرال را در هیئت، در خدمت رسانی به مردم سیل زده، در بین قبایل و طوایف، در بین هنرمندان و شاعران و اهل هنر شناخت. قاسم مثل رودخانه‌ای جاری و ساری بود که در تمام رگ شهر سیلان داشت. سیل می‌آمد، حاجی آنجا بود. زلزله می‌آمد حاجی وسط بحران بود. کمک به محروم‌ان هم که حکم نماز اول وقت را برایش داشت.

اما آنچه این تحفه را بنام او مبارک می‌کند، حاج قاسم و رابطه عمیق او با اهالی هنر و سینما و رسانه است. کار به زبان هنر که میرسید، بین اهالی رسانه و سینما مثل شمع محفل بود. مدام با اصحاب هنر نشست و برخاست داشت، راهنمایی می‌کرد. دلسوزی می‌کرد. حرف میزد، انتظاراتش را می‌گفت، درخواست می‌کرد. هر جایی که کمکی از دستش بر می‌آمد او مثل یک مادر دلسوزی می‌کرد. از محمد رسول الله مجید مجیدی تا پایتخت سیروس مقدم و آن ۲۳ نفر مهدی جعفری و به وقت شام و بادیگارد حاتمی کیا و ...

مرور خاطرات و مکاتبات و نگاه سردار دلها به مسئله سینما و رسانه، میتواند در فهم "مکتب سلیمانی" راه راه‌هموار کند.

در مکتب سلیمانی، آموختن از مهد تعالی، یک واجب الهی است. چند روز قبل از شهادتش به یکی از دوستان دفتر گفته بود که لوح‌های صوتی و تصویری دروس اخلاق آیت الله جوادی آملی، مصباح یزدی، مظاہری، مشکینی و آقا مجتبی تهرانی را برایش فراهم کند. این تقاضا در صورتی بود که وی غرق در مطالعه کتاب‌های اخلاق و عرفان بود و همیشه توصیه می‌کرد "چهل حدیث" امام عزیز و "اسرار الصلاة" ایشان را مطالعه کنیم. به طور مستمر دوستان و خصوصاً فرزندان شهدا کتاب هدیه میداد. اهل مطالعه و ترویج کتاب خوانی بود. وی مرتب و منظم کتاب‌های تاریخی،

هرگز بهانه‌ای برای غفلت و عدم توجه
به این جبهه نبود.

همچنان باید برای شناخت قاسم، این شاخص انقلابی، این خالق مکتب سلیمانی و قطب نمای ولایتمداری و این شهید سعید، جستجو کرد، کنکاش کرد، جست و خیز کرد و قانع نبود. مثل جویندگان طلاکه خود را به دل معدن میزنند و از هر لحظه اش طلای ناب دشت میکنند، باید یافت، تا او را "مثل ماه شب چهارده" کامل و تام و تمامش را بدست آورد.

آن سردار گرانقدر در ۱۸ تیر ۱۳۹۸ در
یادداشتی بر کتاب "انقلاب چهل
ساله"، عمق نگاه علمی و دینی اش را
به نگارش درآورده و می‌نویسند: "این
کتاب که گوشه‌ای از کارآمدی اسلام
در حکومت است و اگر بگذارند و
می‌گذاشتند حکومت قرآن و ولایت
فقیه، این میراث گرانبهای مهدودیت،
تحقیق کامل یابد، آن وقت اعجاز قرآن
و دین نمایان تر می‌گردید." حجم کار
و سنگینی فعالیت و مجاهدت‌هایش
در جبهه نبرد، از افغانستان و عراق و
یمن، تا سوریه و لبنان و فلسطین و...



ترجمه الغارات

سال‌های روایت نشده از حکومت امیر المؤمنین (ع)

با مقدمه علیرضا پناهیان

کتاب "الغارات" را بخوانید، حتماً بخوانید!

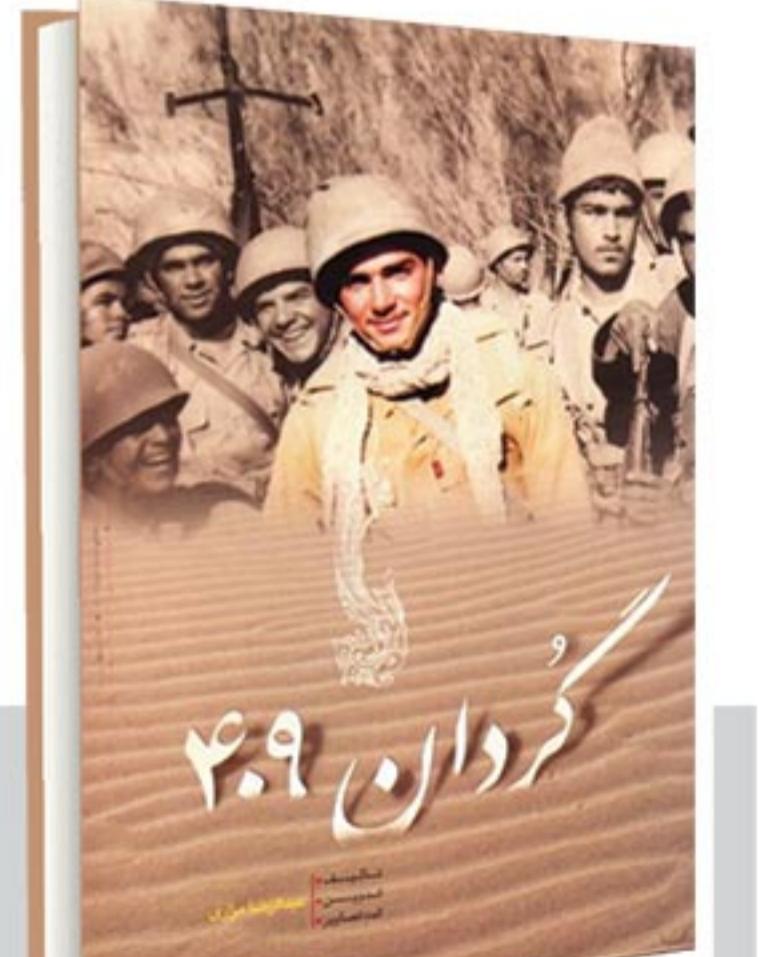
جنگ‌ها و کشمکش‌ها در زمان خلافت امام و پس از آن است. از آن جهت که در این اثر به غارت‌های معاویه در قلمرو امیر المؤمنین پرداخته شده، به الغارات شهرت یافته است. مؤلف در این اثر از راویان شیعه و سنتی بهره برده و از این رو منبعی غنی را پدید آورده و همواره مورد توجه و استفاده عالمان شیعی بوده است. شهید سلیمانی با فهم اهمیت این منبع مهم تاریخی در مطلبی کوتاه مینویسد: "این کتاب الغارات را که قدیمی ترین کتاب شیعه هست بخوانید! حتماً بخوانید! مقتل کامل است. اگر آن را بخوانید، امروز برای این حکومتی که در استمرار حکومت علی بن ابی طالب هست، آگاهانه تر و بدون تعصبات فردی و حزبی نگاه می‌کنیم، نظر می‌دهیم و دفاع می‌کنیم."

توجه ایشان به مسئله خلافت و حکومت آنهم با ارجاع به منابع شیعی، نشان میدهد رهبر انقلاب در معرفی شخصیت ایشان با عنوان "مکتب"، فقط از زاویه مبارزات و نبردهای میدانی نبوده، بلکه ناظر به فهم سردار دلها از موضوعاتی است که اتفاقاً تمامی نبردها معطوف به آن میباشد؛ آری مساله ولایت اهلیت و ایجاد حکومت شیعی و مبارزه با ظلم واستکبار. "الغارات" کتابی به زبان عربی، اثر ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن سعید بن هلال ثقیی کوفی است. الغارات از کهن ترین متون تاریخی شیعه به حساب می‌آید. این کتاب حاوی مطالبی گزیده از زندگانی امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، حیات عملی، خطبه‌ها، نامه‌ها و سفارش‌های حضرت و نیز

یل بزرگ سیستانی

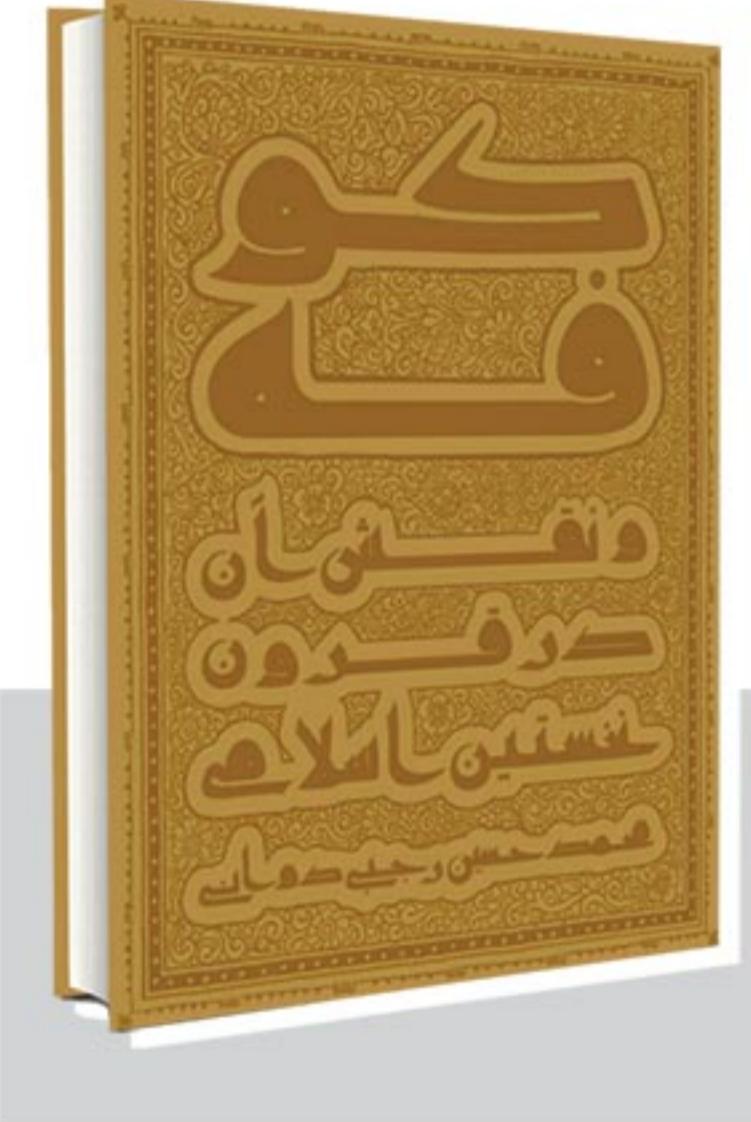
کتاب "گردان ۴۰۹" نوشته عبدالرضا مزاری، روایتی از حال و هوای رزمندگان قبل از شروع عملیات "الفجر ۱۰" منتشر شده است. شهید سلیمانی در بخشی از یادداشت خود درباره این کتاب با اشاره به اینکه بارها متحیرانه تماش‌اگر شجاعت و معنویت خطه شهیدپور مقاوم سیستان بودم، آورده است: "گردان ۴۰۹ و بنیانگذار بسیار پر افتخار و ارزشمند آن، شخصیت قابل افتخاری همچون شهید مخلص میرحسینی عزیز که خود به تنها ی تداعی کنند یک لشکر بود. یل بزرگ سیستانی که همه جوانان کرمانی، سیستان و بلوچستانی و هرمزگانی را در مدرسه خود مشق عشق و ایثار داد و همه به او تأسی می کردند و در سختی ها به او پناه می بردند. مرد زخم دار زخمی تمام نبردها، آخرین فردی که از صحنه آتش خارج می شد، آن هم با تن چند چاک جراحت".

مدام به خواندن و دیدن دعوت می کرد. آثار فاخر دفاع مقدس، آثار مذهبی، از فیلم و کتاب و هر آنچه ما را بهتر فهمیدن حقیقت و صراط مستقیم فرا می خواند، او پرچمدار معرفی به آن به جامعه و جوانان بود. این پیشگامی در فهم و معرفی عرصه هنر و سینما و کتاب، از او یک چهره جامعی ساخته بود که جهان هنر را به خوبی شهود می کرد.



چرامی گویم بخوانید؟

سردار قاسم سلیمانی در هفته بسیج ۱۳۹۷ در سخنرانی خود ضمن معرفی کتابی دیگر چنین میگوید: "من خواهش می کنم کتاب هایی را که حول دوره چهار ساله حکومت امیرالمؤمنین نوشته شده، بخوانید... خیلی خوب است این کتاب ها را بخوانیم تا حرف ها، فرمایش ها و بیاناتشان را بشنویم و ببینیم. من کتاب "کوفه" و نقش آن در قرون نخستین اسلامی"، نوشته آقای دوانی را که کتاب قطور اما مهمی است به شما معرفی می کنم. مرحوم آقای علی دوانی پدر نویسنده که تاریخ نگار و تاریخ نویس مهمی بود، برایش مقدمه خیلی مهمی نوشته است. من این کتاب را بادقت خوانده ام. کتاب های دیگری هم در این موضوع مطالعه کرده ام. چرامی گویم بخوانید؟ چون در هر جریان مهمی، آفت های مهمی هم به وجود می آید که اگر از آن آفت ها مراقبت نشود، آن جریان اثربار و مهم، به دلیل اینکه مورد توجه و طمع است، آسیب خواهد دید."



رادیو

کتاب "رادیو"، خاطرات خود نوشت سردار آزاده حسنی سعدی، خاطراتی از روزمندگان لشکر ۴۱ شار الله و برادر دو شهید که در سن ۲۳ سالگی در عملیات آزادسازی خرمشهر به اسارت دشمن بعثی درآمدند را روایت می‌کند. در بخشی از تقدیری شهید قاسم سلیمانی بر کتاب "رادیو" آمد است:

"این خاطره ارزشمند و تکان دهنده که از یک عملیات سنگین ویژه، هیجان انگیزتر است، نباید به این سادگی پردازش شود. خود بحث رادیو زیباترین داستان خواندنی برای تمام نسل‌ها می‌تواند باشد، در جایی که اسراؤ زندانیان جنگ‌ها معمولاً به دنبال سیگار و یا اشیا فراموش دهنده مخدرنده، فرزندان روح الله در فکر فهم اندیشه او و تلاش برای ایجادگی روح خدا در مسلک اویند. این اعجاب مذهب و انقلاب است، این تاثیریک رهبر الهی بر جوانان و نوجوانان در شرایطی تکان دهنده و سخت است."

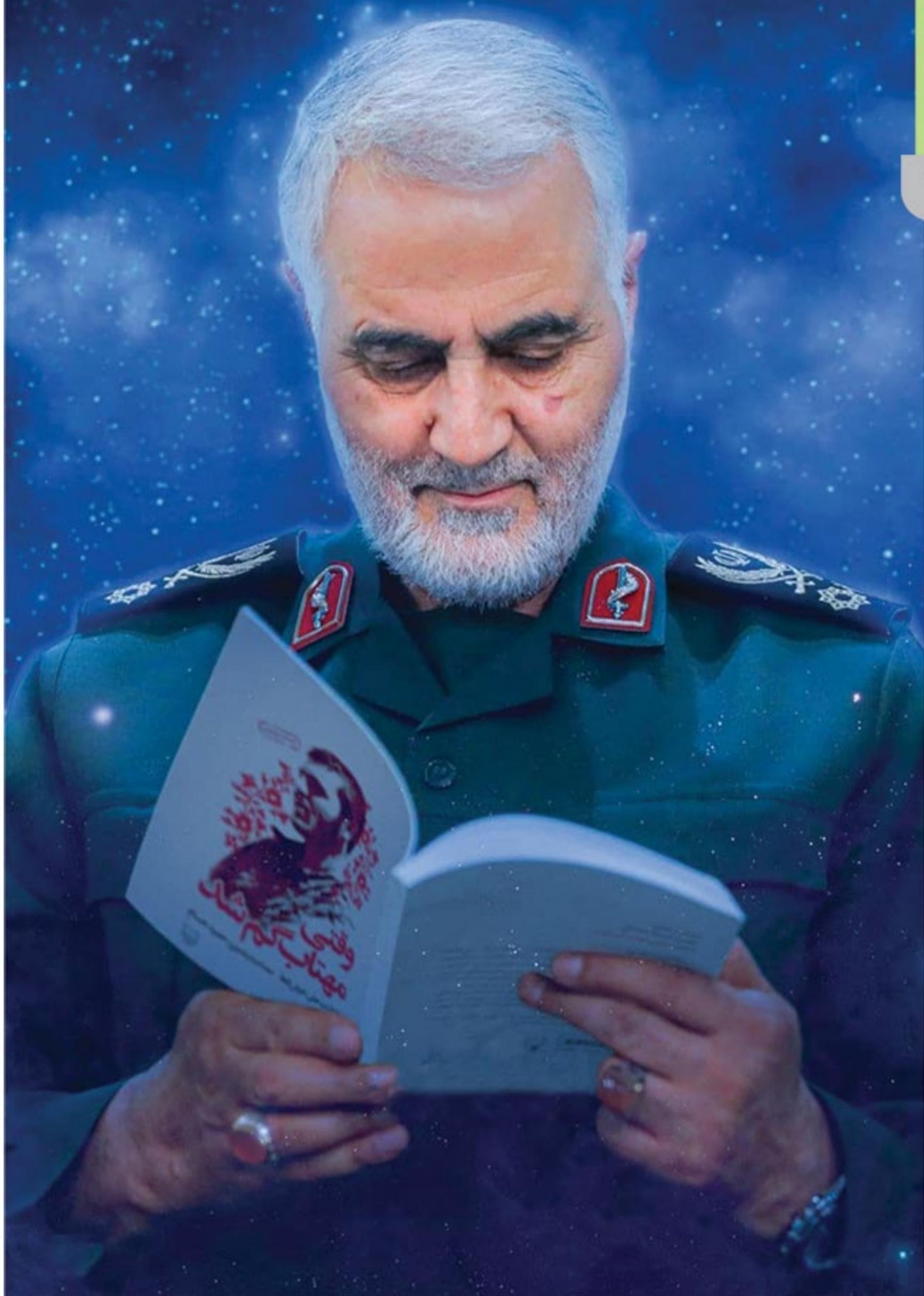


شهدای ما به اندازه کافی بزرگ هستند

جالب این که سردار بزرگوار به حواشی هم دقت میکرد. نکاتی که لازم به تذکر بود را بی تکلف یادآور میشد. ایشان در نامه ای به محمدرضا بایرامی، نویسنده کتاب "سه گانه ای برای یگانه"، داستان زندگی شهید حاج علی محمدی پور می نویسد:

"من این شهیدی را که درباره اش نوشته ای از سالیان سال پیش می شناسم. با هم بزرگ شده ایم، با هم به جنگ رفته ایم، با هم در منطقه بوده ایم، با هم در عملیات شرکت کرده ایم... من شب تا صبح نشستم و کتاب تو را خواندم و گریه کردم و گریه کردم. من دست شمارا می بوسم، اما شهدای ما خودشان به اندازه کافی بزرگ هستند، لازم نیست در موردشان اغراق کنیم." بایرامی نویسنده این کتاب بعدها بادیدن یادداشت سردار میگوید: "من این کتاب را تحت تاثیر رئالیسم جادویی مارکز نوشته بودم."





همه خاطراتم را به رُخْم کشیدی

سردار دلها در یادداشتی که نشان از درونی سوزناک و ملامال از آرزوی شهادت است از کتابی دیگر میگوید. کتاب "وقتی مهتاب گم شد" تألیف حمید حسام شرح زندگی سردار شهید علی خوش لفظ است. سپهبد شهید سلیمانی در بخشی از یادداشتش درباره این کتاب آورده است:

"یکبار همه خاطراتم را به رُخْم کشیدی. چه زیبا از کسانی حرف زده ای که صدھانفر از آنها را همین گونه از دست دادم و هنوز هر ماه یکی از آنها را تشییع می کنم و رویم نمی شود در تشییع آنها شرکت کنم. ۱۰ روز قبل بهترین آنها را - مراد و حیدر را - از دست دادم، اما خودم نمی روم و نمی میرم، در حالی که در آرزوی وصل یکی از آن صدھا شیر دیروز له له می زنم و به درد "چه کنم" دچار شده ام. امروز این درد همه وجودم را فراگرفته و تو نمکدانی از نمک را به زخم هایم پاشاندی، تنهای تنهایم."



پرداخته است. موضوع کتاب "من زنده ام" یکی از ان صدھا نمونه ای است که میشود بعنوان سند تاریخی در برابر غرب نشان داد. کتابی که مربوط به سال های جنگ و دوران اسارت چهار زن ایرانی با محوریت روایت زندگی نویسنده است. نکته بسیار جالب در باره این کتاب، یادداشت کوتاه شهید قاسم سلیمانی است. ایشان پس از خواندن کتاب، دو یادداشت قابل تأمل برای معصومه آباد نویسنده این کتاب نوشت. در بخشی از نامه کوتاه اول خود که آن را در بغداد نوشته بود، حس خود را نسبت به این کتاب زیبا بیان کرده و آورده است: "خواهرم، مثل همان برادرهای اسیرت همه جا با تعصب مراقبت می کردم کسی عکس روی جلد کتابت را نبیند. و در تمام کتاب با ناراحتی واسترس بدنبال این بودم که آیا کسی به شما جسارت کرد؟ آخر مجبور شدم روی عکست را با کاغذ بچسبانم تا نامحرمی او را نبیند.

سردار دلها در دومین نامه حاج قاسم که در "نینوا" نوشته شده، با اشاره به رشادت های معصومه آباد می گوید: "ان شاء الله کتابت را به همه زبان ها ترجمه می کنم تا همه بدانند زینب بنت رسول الله چگونه بوده است".

زن، زندگی، آزادی

این روزها شعار زن زندگی آزادی بر درو دیوار رسانه های وابسته به غرب و قدرتها متحجر منطقه با رنگ و لعاب زیادی فریاد زده میشود. جریانی که از آزادی زن، بیش از هر امری، آزادی دسترسی مرد به زن را میخواهد، سرمایه داری غرب زن را بعنوان ابزار تبلیغ میخواهد، نه آزادی حقیقی و انسانی برای زن را. غرب در مساله زن سرافکنده است. حالیا؛ این نظام بی حیای سرمایه داری، امروز از آزادی زن در ایران نگران است، چونان نگرانی گرگ برای میش! چونان نگرانی آمریکا و صهیونیسم برای دموکراسی و حقوق بشر! بوی عفن شعارهای غرب درباره حقوق زنان تمام دنیا را گرفته است. نظامی که در ایام دفاع مقدس پشت سر رژیم صدام از هیچ ظلمی در حق زنان و کودکان و بمباران شهرها و کشتار مردم بی دفاع ایا و حیایی نداشت و حتی در آن سالها از اسارت زنان و دختران نیز واهمه ای به خود راه نمیداد. اما مکتب اسلام و انقلاب، در دنیای امروز با تمام وجود به قداست و حریت زن اهمیت داده و بهای آن را



مهمترین شادی آن‌ها عفت و حجاب است

"سلام بر حججی که حاجتی شد در چگونه زیستن و چگونه رفتن. فدای آن گلوبی که همچون گلوی امام حسین (ع) بریده شد و سلام بر آن سری که همچون سر مولای شهیدان دفن آن نامشخص و به عرش برده شد. دخترم آن ها را الگو بگیر و مهمترین شادی آن‌ها عفت و حجاب است."

این یادداشت کوتاه حاج قاسم خطاب به دخترش بعد از خواندن کتاب "سربلند" است. کتابی که درباره شهید مدافع حرم محسن حججی منتشر شد. حاج قاسم با این "کوتاه نوشت" همچنان بدنبال معنا کردن سربلندی و زندگی واقعی در مکتب اسلام ناب برای دختران سرزمینش است. مکتبی که عفت در آن گوهري است که نه در نظام غرب میتوان یافت، نه رد پایی از آن در دنیای شرق دیده میشود. و حقیقت این است که والاترین معنای زن همانا در شعار نه شرقی و نه غربی است که امام عزیز آن را در انقلاب خود تجلی بخشید. انقلابی که در موضوع "زن" بسیار سربلند است.

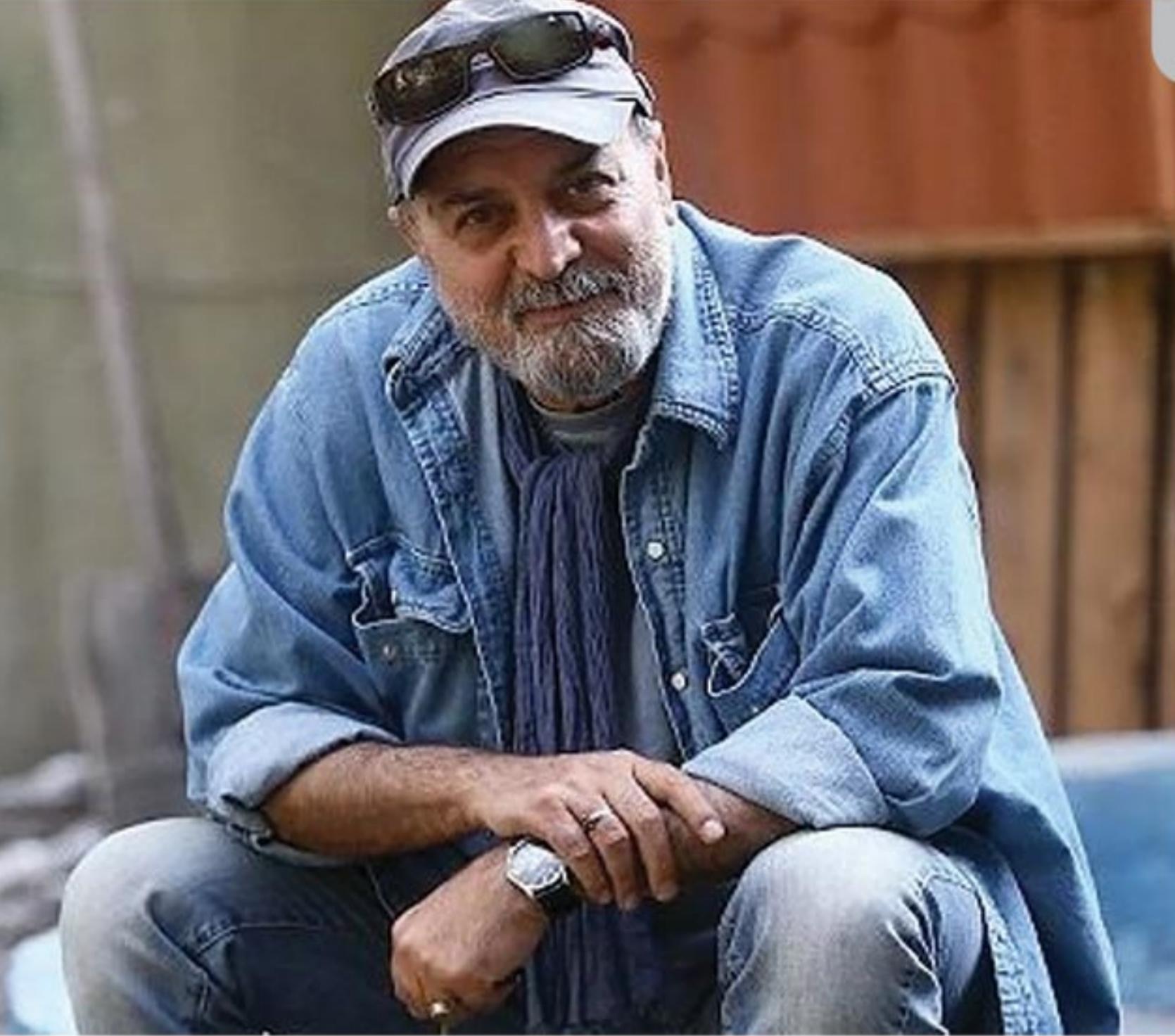


ادراک حاج قاسم از "جهاد اکبر"

نوع نگاه سردار به مسئله فرهنگ و هنر را میشود در لابلای دیدارهایشان جستجو کرد. این شهید عزیز وقتی به همراه خانواده شهید عمامد مغنية و افراد دیگری از جریان جبهه مقاومت در اکران خصوصی فیلم "محمد رسول الله" مجید مجیدی حضور داشتند، جمله‌ای نقل به مضمون از ایشان منتشر شد که فهم و ادراک آن سردار بزرگ را نمایان میکند. ایشان پس از اکران فیلم در برابر حاضرین از جای برخاست و در کمال تواضع میگویند: "سال‌ها فکر می‌کردم کاری که دوستانم در جبهه نبرد انجام می‌دهند، جهاد اکبر است اما بعد از دیدن "محمد رسول الله" آقای مجیدی، دریافتیم که "جهاد اکبر" را ایشان در حوزه فرهنگ و هنر انجام می‌دهند..."

سینما، این معنا را میرساند که خاکریز هنر و سینما کم از خاکریز جنگ سخت ندارد. همان میزان که جهاد سخت با سلاح در برابر دشمن انسان ساز است، خاکریز هنر و رسانه و سینما هم میتواند تک تک افراد جامعه را تربیت کند. ایشان چنان متواضع در برابر عوامل این فیلم می‌ایستد که حتی در پایان دیدار، انگشت‌خود را به مجید مجیدی تقدیم میکند تا خالق تصویری از ایمان حقیقی خود به امر سینما و هنر باشد. آری حاج قاسم چنین نگاهی به سینما و رسانه داشت. غفلت از این معنا خسran بزرگی برای هر جامعه‌ای است که بفکر حرکت به سمت تمدن سازی است.

این جمله از زبان مردی جاری میشود که تمام عمر خود را در خاک و خون گذرانده است و بارها تا مرز شهادت پیش رفته. وقتی چنین نگاهی به مسئله هنر و رسانه و سینما را از یک مجاهد می‌بینیم، یعنی اهمیت خاکریز سینما و رسانه در حکم واجب الهی است. جهاد اکبر یعنی حرکت دادن جامعه مومنین بسمت شکل دادن شخصیت اجتماعی. شخصیتی که با تربیت تک تک افراد، ترس در آن راه ندارد، واهمه در برابر دشمن بی معنی است. جسارت و خطرپذیری در مواجهه با بحرانها و سختی‌ها، آن جامعه و انسانهایش را مثل آهن آبداده خواهد کرد. استفاده حاج قاسم از عنوان "جهاد اکبر" برای اصحاب



حاجی نگران فینال قصه بود

ساخت سریال، که این صحبت‌ها جزو لحظات فراموش نشدنی زندگی من بود. نظر سردار در خصوص ساخت "پایتخت ۵" مثبت بود. یک صبح، زود خدمت شان رسیدیم، زیرا می‌خواستند سرshan خلوت تر باشد و مفصل صحبت کنند. من از فحوای کلامشان متوجه شدم پایتخت‌های دیگر را هم دیده‌اند. ایشان نظراتی داشتند که بحق هم درست بود. ضمن این که به ما مشاورانی برای کار معرفی کردند و جالب بود که فقط نگران فینال قصه بودند که قهرمانان نجات پیدا کنند."

سیروس مقدم کارگردان سریال "پایتخت" در فصل پنجم این سریال به قصه‌هایی از سوریه و همچنین مبارزه با داعش پرداخته بود. وی به خاطراتی از جلسات خود با سردار سلیمانی اشاره و بیان می‌کند: "وقتی ما خواستیم پایتخت ۵ را شروع کنیم، قرار ملاقاتی از طرف مؤسسه اوج ترتیب داده شد و من توانستم سردار سلیمانی را زیارت کنم. او در نهایت سادگی، عطفت و تأثیرگذاری، صحبت‌هایی مثبت و سازنده درباره "پایتخت" بیان کرد؛ صحبت‌هایی برای مراحل مختلف فیلم‌نامه و





ghasem.soleimany • Follow

ghasem.soleimany

این فیلم [به وقت شام] مرا به گریه انداخت. از طرف مجاهدان و رزمندگان از حاتمی کیا تشکر می‌کنم.



14,136 likes



این فیلم مرا به گریه انداخت

"بادیگارد" ساخته ابراهیم حاتمی کیا اولین اثری بود که مورد توجه حاج قاسم قرار گرفت. ایشان در میانه جشنواره فجر سال ۹۴، همراه با ابراهیم حاتمی کیا و پرویز پرستویی، به تماشای فیلم نشست و طبق روایت حاتمی کیا، در ابتدای این دیدار، پرویز پرستویی به رسم ادب و احترام، بر دست حاج قاسم بوسه زد. بعدها هم فیلم سینمایی "به وقت شام" به کارگردانی ابراهیم حاتمی کیا، دومین محسول بود که در سال های اخیر، مورد توجه سردار سلیمانی قرار گرفت. حاج قاسم در توییتر خود نوشت که "این فیلم مرا به گریه انداخت" و در اظهارنظری ویدئویی درباره این فیلم، از حاتمی کیا و دیگر دست اندکاران فیلم تشکر کرد.



آقای حاتمی کیا با این کار از مدافعین حرم دفاع کردند

جاهای گوناگون شاهدش بودم. دوم، صحنه آوارگی و مظلومیتی بود که ملت های عراق و سوریه با خون گلوی خودشان آن را حس کردند. این فیلم به رغم اینکه من خب این صحنه ها را دیده بودم ولی خودم را به گریه انداخت. و چون این مظلومیت یک واقعیتی است که وجود دارد و صحنه های بسیار سختراز این هم در این دو تاکشور به وقوع پیوسته است. من از طرف همه‌ی مجاهدین و شهدا و رزمنده‌های مظلوم این صحنه، از آقای حاتمی کیا و همه‌ی کسانی که ایشان را در این صحنه کمک کردند، تشکر می‌کنم. آقای حاتمی کیا با این کار از مدافعین حرم دفاع کردند.

حاج قاسم سلیمانی پس از دیدن فیلم "به وقت شام" از ابراهیم حاتمی کیا و عوامل فیلم تشکر کرد و گفت: "ایشان با هنرمندی خاصی توانستند در واقع گوشه‌هایی از آن واقعیت تلخ را نشان بدهند. من فکر می‌کنم این فیلم یکی از دیدنی ترین فیلم هایی است که تا حال تقریباً می‌توان گفت که در بخشی از ابعاد، صد درصد نزدیک به واقعیت بود. در واقع می‌توان گفت یک مستند واقعی است..."

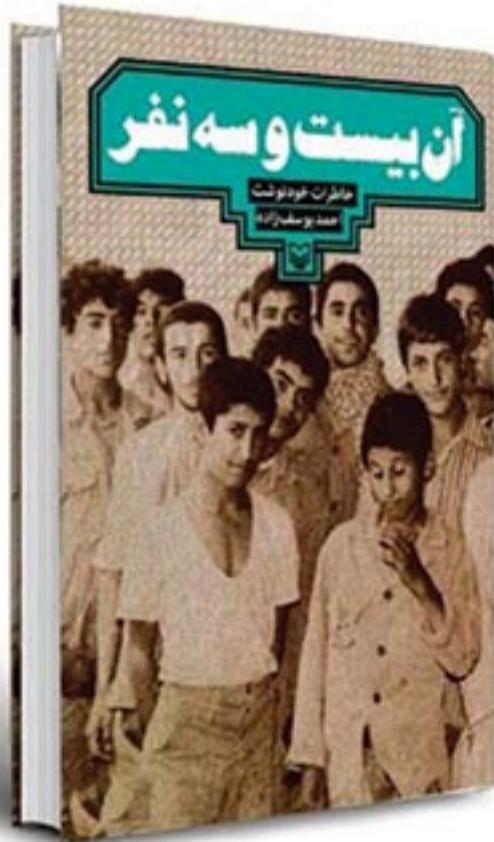
آن چیزی که در واقع از صحنه فیلم برای من تداعی صحنه های گوناگون را می‌کرد اول، همین صحنه سربریدن بود. در واقع سربریدن های جمعی، که من به کرات در عراق و در سوریه و در



همان روز اول در پشت صحنه فیلم حاضر میشود

سردار سلیمانی روز اول فیلمبرداری "احمد عزیزم؛ تقریظ و تحسین رهبر فیلم "آن ۲۳ نفر" در پشت صحنه آن عزیzman مرا تشویق به خواندن کتابت کرد و پس از قرائت آن به مقامت غبطه خوردم و افسوس، که در کارنامه‌ام یک شب از آن شبها و یک روز از آن روزهای گرفتار در قفس راندارم. شماها عارفان حقیقی و عابدان به عبودیت رسیده ای هستید که به عرش رسیدید، ای قاسم در بخشی از این دیدار، برای بازیگران نوجوان فیلم، از خاطرات کاش در همان بالا بمانید. چه افتخار دفاع مقدس نیز روایت میکند. ایشان حتی پس از انتشار تقریظ رهبر انقلاب بر کتاب "آن بیست و سه نفر" بنشینند. چه زیباست جوانان جویای کمال، کودکانِ کمال یافته در قفس در اردیبهشت ۹۴، یادداشتی تحسین آمیز با مضامینی بسیار شیرین دشمن را بینند. ای کاش سفیران در قصرهای مجلل نشسته کشورمان، این خطاب به نویسنده را منتشر میکند:

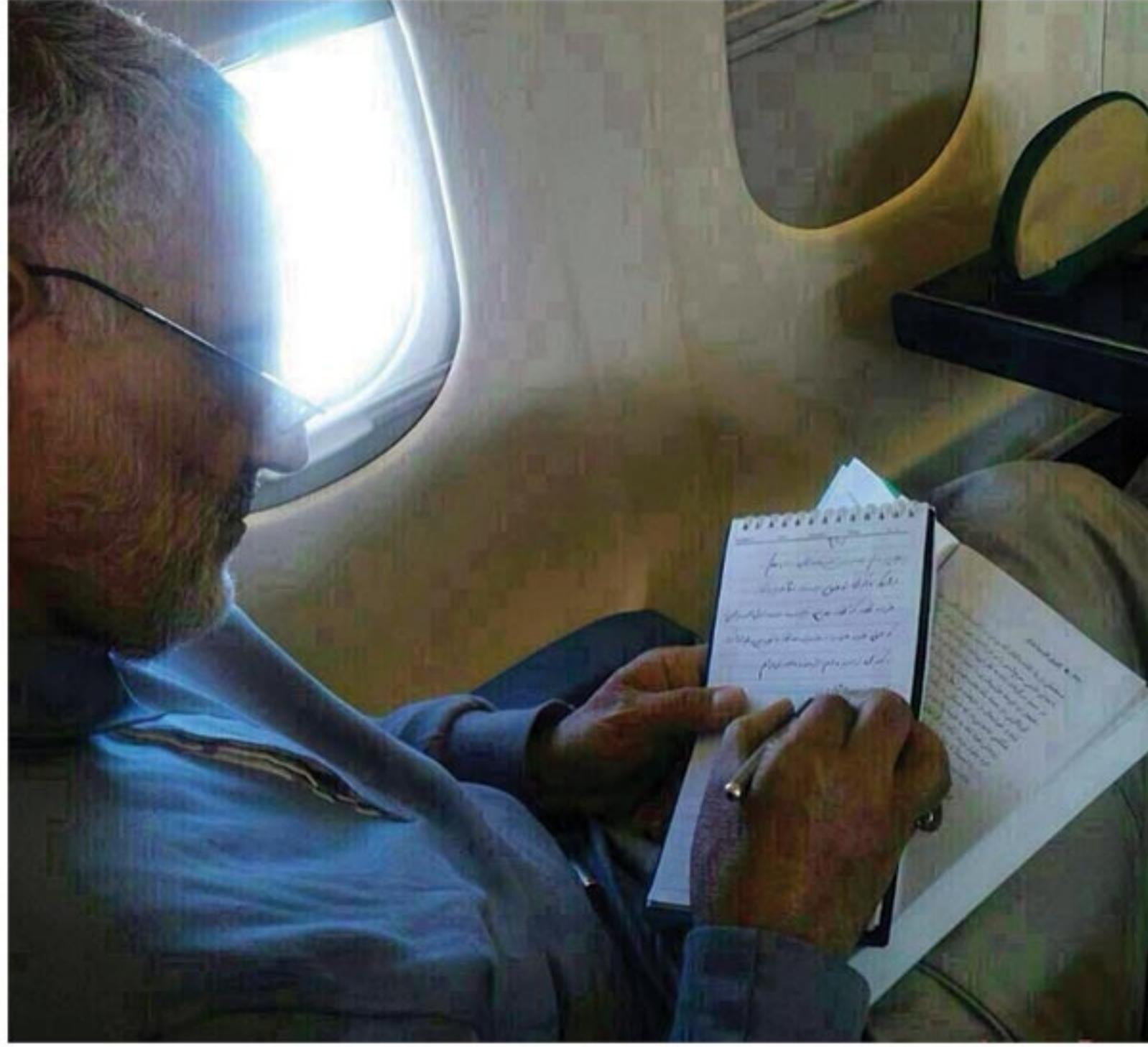




چنگال دشمن سر داد و نشان داد
به خوبی درس خود را از مکتب امام
احمد عزیز؛ وقتی کتابت را خواندم
ناخودآگاه صحنه اسارتی در مقابل
امیر شاه پسندی" که برگشت‌های
برادر شلاق فروپخته او اتوکشیدند
دیدگانم مجسم شد و به یاد آن اسیر،
بر کتاب این اسیر، اشک ریختم، یاد
و "احمد یوسف‌زاده"، "زادخوش"،
قهمان اسارت که اسارت را به اسیری
"مستقیمی"، "حسنی" و ... که از
اسارت "عظمت" آفریدند. در پایان
گرفت. بانوی معظمه خسته‌ای که با
مجروحیت دل و جسم، در حالی که
درود می‌فرستم بر مردی که به احترام
سر برادران، برادرزاده‌ها و فرزندان خود
شما و همه مجاهدین و شهدا، قریب
را بالای نی جلوی چشم داشت و ده
سی سال چفیه یادگار آن روزها را به
هازن و کودک اسیر هر روز کتک خورده
گردان آویخته تا عشق به این راه و مرام
را در طول هزاران کیلومتر پیاده و یا بر
و فرهنگ را به همه یادآوری کند و
شتر برنه نشسته، سرپرستی می‌کرد،
بر هر نوشته شما بوسه می‌زند و در
در عمق قرارگاه دشمن بر هیبت او
بالاترین جایگاه فقاوت، حکمت و
شلاق زد و با بیانی که خاطره پدرش
اندیشه، زیباترین کلمات را نشارتان
می‌کند. چقدر مديون اين مردیم و
بدون او تاریکیم. خداوندا؛ وجودش را
برای ایران و اسلام حفظ بفرما."

سفیران در قفس گرفتار شده را ببینند
و چگونه سفیر بودن را بیاموزند.
ناخودآگاه صحنه اسارتی در مقابل
دیدگانم مجسم شد و به یاد آن اسیر،
بر کتاب این اسیر، اشک ریختم، یاد
و "احمد یوسف‌زاده"، "زادخوش"،
قهمان اسارت که اسارت را به اسیری
"مستقیمی"، "حسنی" و ... که از
اسارت "عظمت" آفریدند. در پایان
گرفت. بانوی معظمه خسته‌ای که با
مجروحیت دل و جسم، در حالی که
سر برادران، برادرزاده‌ها و فرزندان خود
شما و همه مجاهدین و شهدا، قریب
را بالای نی جلوی چشم داشت و ده
سی سال چفیه یادگار آن روزها را به
هازن و کودک اسیر هر روز کتک خورده
گردان آویخته تا عشق به این راه و مرام
را در طول هزاران کیلومتر پیاده و یا بر
و فرهنگ را به همه یادآوری کند و
شتر برنه نشسته، سرپرستی می‌کرد،
بر هر نوشته شما بوسه می‌زند و در
در عمق قرارگاه دشمن بر هیبت او
بالاترین جایگاه فقاوت، حکمت و
شلاق زد و با بیانی که خاطره پدرش
علی(ع) را در یادها زنده کرد همانند
شمشیر برنده برادرش عباس بر قلب
دشمن فرود آورد و با جمله "مارأیت الا
جمیلاً" عرش را گریاند و بشریت را تا
ابد متغیر عظمت خود ساخت. به
حتی بعد ها سازندگان و بازیگران
نوجوان این فیلم از انرژی فوق العاده
کرمانی بودنم افتخار می‌کنم، از داشتن
ای گفتند که پس از دیدار با سردار، به
گوههایی همچون "شهسواری" که
فریاد "مرگ بر صدام، ضد اسلام" را در دست آورده بودند.





از نویسنده‌گان آنسوی مرزها غافل نبود

فروردين سال ۹۵ بود که صفحه اينستاگرام حاج قاسم سليماني عکسی رابه اشتراک گذاشت که سردار رادر هوایپیما در حال مطالعه یک کتاب و نوشتن يادداشت نشان می داد. تصویری که در توضیح آن نوشته شده بود: در حال پرواز و مطالعه کتاب گابریل گارسیا مارکز. مارکز نویسنده کلمبیایی یکی از چهره های شاخص ادبیات نوین آمریکای لاتین است. یکی از نویسنده‌گان محبوب اسپانیولی زبان در ایران است. سبک گابریل گارسیا رئالیسم جادویی است. "صدسال تنها"ی، "کسی به سرهنگ نامه نمی نویسد"، "عشق سال های وبا"، "ژرال در هزار توش" و... از جمله آثار این نویسنده است. تنوعی که در مطالعات حاج قاسم وجود داشت، میتواند نشانی خوبی برای درک جهانبینی و شناخت دنیای او باشد. حاج قاسم علاوه بر آثار فاخر ایرانی، بدون نگاه تک بعدی و خطی، از مطالعه آثار اندیشمندان دیگر کشورها هم غافل نبود. او قرار است مکتبی را رقم بزند که از شرق تا غرب عالم را به سمت خود دعوت کند. شناخت دنیای غرب و شرق، لازمه صدور اندیشه انقلابی است. چنانچه رهبر انقلاب بارها جوانان را به مطالعه آثار نویسنده‌گان بزرگ دنیا دعوت کرده اند.

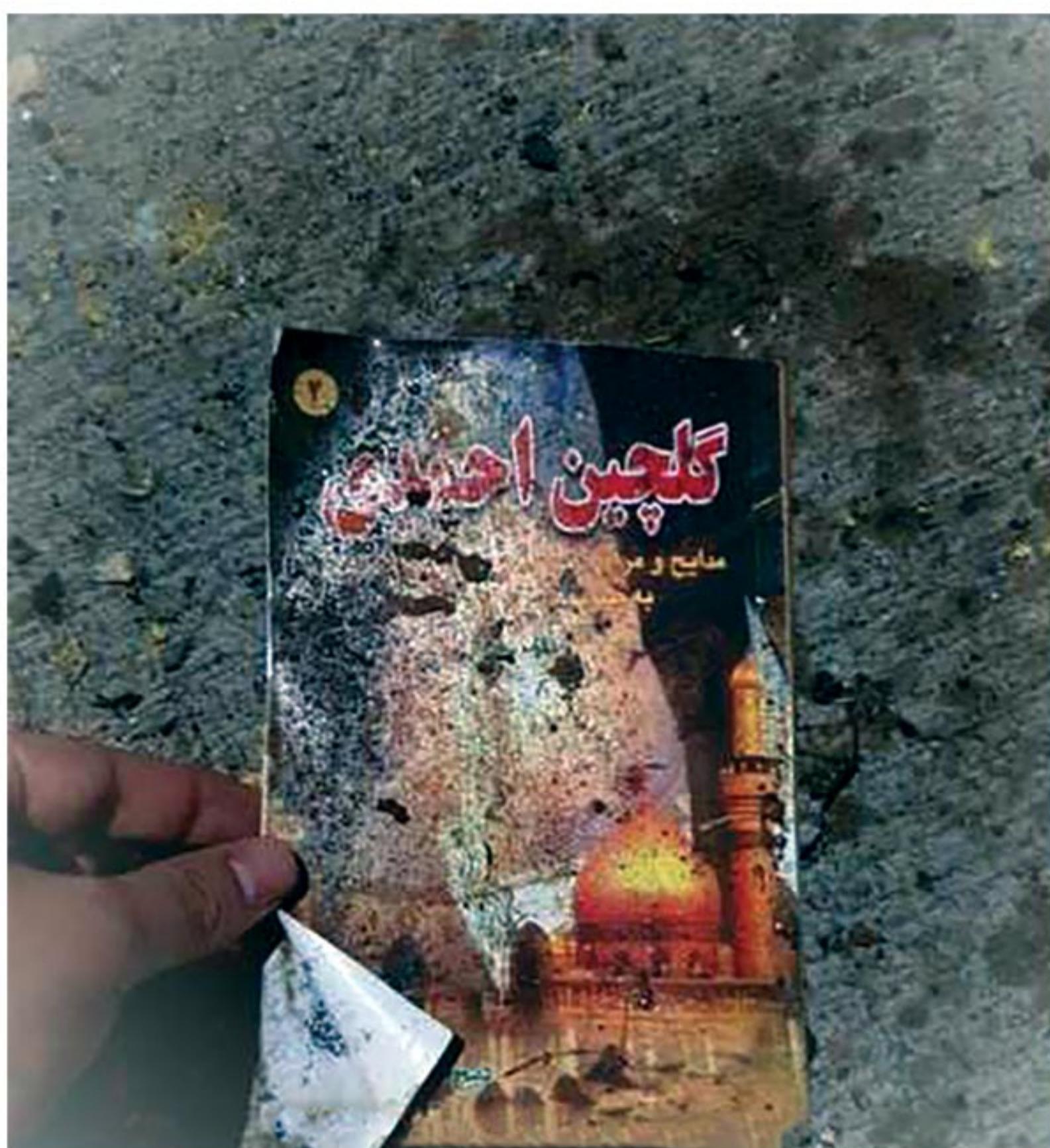
— عهدی که با کتاب بسته بود —

مرتضی حاج باقری از دوستان نزدیک سردار شهید سليمانی می گوید که همیشه حاج قاسم همراه خود کتاب داشت و زمانیکه از ایران به سمت سوریه حرکت می کردیم در حال مطالعه بود. در سفرها کتاب از دست ایشان جدا نمی شد. زمانیکه عازم سوریه بودیم ایشان غرق در مطالعه بود که پس از نیم ساعت کتاب را بست و من که دو تا صندلی عقب تر بودم را صدا کرد و گرم صحبت شدیم. وقتی به مقصد رسیدیم لبخندی زد و گفت: "حاج مرتضی امروز یک کتاب به من ضرر زدی". خنديدم و گفتم: خودتون مرا صدا زدید، اما باز حاج قاسم لبخند می زد و می گفت: "نه خودت را توجیه نکن امروز به من یک کتاب ضرر زدی".

آخرین همراه

تصاویری از صحنه پیکر سردار پرافتخار حاج قاسم سلیمانی منتشر میشود، انگشتی، سلاح کلاشینکف، یک جلد قرآن مجید و البته کتاب "گلچین احمدی". کتابی که مجموعه ای از مراثی و مدایح ائمه اطهار (ع) است. شعر بالاترین فریادها و الاترین زبان برای انتقال مفاهیم است. صدای ماندگار شعرخوانی سردار دلها همچنان بر جانها حکم فرماست، دلربایی میکند، با اشک هایی که در حین خواندن شعر میریخت، بعضی که میکرد، برای شهادت که آرزوی دیرینه اش بود از زبان شعر امداد میگرفت؛ هر که را صبح شهادت نیست شام مرگ هست... بسیار دیده شد که حاج قاسم عزیز، در مراسمات و برنامه ها، با بهره مندی از ابیات دلنشیں، مخاطب را در فکر فرو می برد. توجه به شعر، آنهم در آخرین سفر و همراه داشتن کتاب، الگو گرفته از همان سیره رهبر حکیم انقلاب است که در مجموعه "من و کتاب" می فرماید: "بنده خودم چند جلد قطور از یک عنوان کتاب را در اتوبوس خواندم! البته قضیه مربوط به قبل از انقلاب است که چند روزی برای انجام کاری از مشهد به تهران آمده بودم".

این علاقه مندی به کتاب نه از سر تعارف و تشریفات، که نشان میدهد علقه و پیوندی عمیق با مسئله مطالعه در وجود حاج قاسم نهفته بود که او را چنین اندیشمندی حکیم و مبارزی نستوه جلوه میداد.





زمانی که حاج قاسم از اصحاب رسانه بود

تیراژ در استان های جنوب شرق کشور از جمله کرمان، سیستان و بلوچستان و هرمزگان توزیع می شد. قبل از رفتن حاجی به سپاه قدس، ۶۵۰ شماره از نشریه ثارالله با مسئولیت این شهید نشر داده شد. علت توفیق نشریه در آن سالها رادر این نگاه سردار سلیمانی باید دید که در جلسات همیشه می گفت: کاری کنید تا موجبات تاثیرگذاری در انتقال فرهنگ شهید و شهادت انجام بگیرد و صرفاً کاغذ سیاه نکنیم. بعدها سپهبد شهید حاج قاسم اگر چه دور از کرمان بود، اما هرگاه که به کرمان می آمد و مرا می دید درباره نشریه صحبت می کرد و چندین بار از دفتر نشریه بازدید کرد و همیشه تاکید می کرد که نشریه ثارالله زبان گویای بچه های انقلاب و در ترویج فرهنگ شهادت و دفاع مقدس پیش رو باشد.

سید ابراهیم یزدی از دوستان سردار می گفت: "از آنجا که مسئول روابط عمومی و تبلیغات کنگره بودم، پیشنهاد تولید نشریه ای با محتوای شهدا را دادم که با استقبال روبرو شد و سپهبد شهید حاج قاسم سلیمانی نام آن را "ثارالله" نهاد. نشریه ای که خود سردار مدیر مسئول آن شد. قرار بود در آن سال ها کارهای فرهنگی ماندگاری در سطح کشور اجرا شود، از این رو در کرمان و در منطقه جنوب شرق، این حرکت با محوریت ایشان انجام گرفت. با موافقت فرمانده کل سپاه و دریافت مجوز رسمی از وزارت ارشاد در سال ۷۸، نشریه "ثارالله" به عنوان اولین و تنها ترین نشریه از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی چاپ، منتشر و در دکه های فروش روزنامه ها و نشریات قرار گرفت. در آن زمان نشریه بصورت دوهفته ای با ۱۲ هزار

مردی که رسانه را برای انتقال مفاهیم میخواست نه انتقال "خود"

این‌ها فقط نمونه و دست چینی از چهل سال فعالیت سردار دلها در حوزه فرهنگ و هنر و کتاب و رسانه و سینماست. ژئالی که هرگز لباس نظامی و مسئولیت فرا‌سرزمینی را کفایت از میدان هنر و رسانه و فرهنگ و سینما نمیدانست. "مرد میدان" چه در کارزار نظامی، چه در عرصه علم، چه در جهاد اقتصادی، چه در امداد و کمک به محرومان، چه در عرصه شخصی و توجه به معنویت، چه در بصیرت سیاسی، چه در کانون خانواده و... با شناخت زندگی و زمانه، درک وظیفه و تکلیف، به جامعیت کاملی رسیده بود که در او مفهوم باشکوه "حکمت" را متباور میکرد.

حاج قاسم را باید حکیم فرزانه و شهید راه حیات پاک و طیبه‌ای نامید که لحظه به لحظه از زندگی مبارک و میمونش، برای نسل‌های امروز و فردا همان صراط مستقیمی است که امیر مومنان در وصف مالک اشتر فرمود:

"ای مالک! گریه کنندگان باید بر همچون تویی بگریند...
کجا کسی همانند مالک است... دیگر مانند او را هرگز
نخواهم دید."



مرکز فضای مجازی بسیج آذربایجان شرقی